

رویکرد تحلیلی بر آثار محسن فروغی (مورد پژوهی؛ معماری شیوه اصفهانی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

کد مقاله: ۱۵۶۲۵

آرزو سلطانی*^۱، پانید خوش‌روان^۲، پرستو عطار دلگشا^۳،
محمدعلی حسین^۴

چکیده

ارزیابی آثار محسن فروغی از جهت تأثیر بر رشد و تکامل سبک معماری نوگرای ایرانی بسیار حائز اهمیت است زیرا آثار این هنرمند بزرگ، به عنوان نمونه‌هایی فراگیر از تلفیق بین میراث فرهنگی و نوآوری‌های مدرن در معماری ایران محسوب می‌شوند. این تلفیق نه تنها به تقویت و ارتقاء هویت معماری ایرانی کمک می‌کند، بلکه یک مسیر جدید برای تحول معماری نوگرا در ایران پدید می‌آورد. آثاری همچون آرامگاه سعدی، باباطاهر و پوپ، با استفاده هوشمندانه از عناصر سنتی و مدرن، پیوندی فراگیر و مؤثر بین گذشته و حال را می‌سازند، این ارتباط میان فرهنگ‌های مختلف، به عنوان میراثی ارزشمند برای آینده باقی خواهد ماند. این که محسن فروغی چه شاخصه‌های کالبدی را در آثار معماری خود پیاده میکند، مجهول اصلی این تحقیق و دستیابی به آن هدف آرمانی این پژوهش است. این مقاله بر آن است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تفسیری-تاریخی و همچنین از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی، معماری سنتی ایران و جلوه‌های آن در آثار فروغی را مورد ارزیابی قرار داده و نحوه رفتار هر شاخصه در کالبد آثار را نیز مورد بررسی قرار دهد. به دلیل اهمیت معماری سنتی ایران و یا معماری مکتب اصفهانی و جلوه آن در جامعه امروزی، نیاز است آثار یکی از معروف‌ترین معمارانی که این شاخصه‌ها را در آثارشان استفاده کرده‌اند، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بنابراین میتوان نتیجه گرفت محسن فروغی، به عنوان یکی از پیشگامان در ترکیب عناصر معماری سنتی و مدرن در آثار خود، نقش بسیار مهمی در تحول معماری ایرانی داشته است و با ایجاد یک پیوند بین گذشته و حال، مسیر جدیدی برای تحول معماری نوگرا در ایران ایجاد کرده است.

واژگان کلیدی: محسن فروغی، آرامگاه، معماری سنتی، معماری نوگرا

۱- دانشجوی مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد تهران غرب (arezoosoltani@yahoo.com)

۲- دانشجوی مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

۳- دانشجوی مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

۴- دانشجوی مهندسی معماری دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

۱- مقدمه

در دوران معاصر، معماری ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی که در آن تجدیدنظر و تحولات بزرگی رخ می‌دهد، مورد توجه فراوان قرار گرفته است. یکی از شخصیت‌های برجسته این دوران، محسن فروغی، با آثار خود تأثیری عمیق و قابل توجه در تکامل و تغییر سبک معماری نوگرایی ایرانی داشته‌است. آثار این معمار، به‌عنوان مثال‌هایی برتر از تلفیق بین میراث فرهنگی و نوآوری‌های مدرن در معماری ایران، شناخته می‌شوند که نه تنها به تقویت هویت معماری محلی کمک می‌کنند، بلکه به‌عنوان مسیری نوآورانه برای تحول و پیشرفت معماری نوگرا در ایران شناخته می‌شوند. در طول قرن بیستم، معماری ایران شاهد تحولات چشمگیری بود که نشان‌دهنده ورود این هنر به دوران مدرن بود. یکی از شخصیت‌های برجسته و بی‌تردید تأثیرگذار در این روند، محسن فروغی بود که با آثارش نه تنها به زیبایی و استحکام معماری ایرانی، بلکه به استفاده از تکنولوژی‌های نوین و ارتقاء فرهنگ معماری مدرن در این کشور نیز توجه ویژه‌ای داشت.

معماری فروغی اصیل به دنیا آمد و از تمام مرزهای سنت گذشت و توسط خودش و دیگران گسترش یافت. وی اندیشه معماری نوین را عرضه داشت و همچنین به همه آموخت که به چه ترتیب از تکنولوژی مدرن در معماری بهره‌گیرند، از احتیاجات و اهداف خود آگاه شوند و با به‌کارگیری معماری و تکنولوژی به اندیشه معمارانه‌شان شکل و محتوا دهند و آن را قابل نمایش و محسوس سازند. (باور ۱۳۸۷) با توجه به ارزش و اهمیت بالقوه معماری سنتی ایران و مکتب معماری اصفهانی در زمان حاضر، ارزیابی آثار محسن فروغی از منظر تأثیر بر رشد و تکامل سبک معماری نوگرایی ایرانی ضروری و حیاتی است. این تحقیق هدف دارد تا عناصر کالبدی برجسته در آثار معماری فروغی را شناسایی و تحلیل نماید و تأثیر این عناصر بر تکامل معماری نوگرا در ایران را بررسی کند. با توجه به اهمیت بالقوه معماری سنتی ایران و یا مکتب معماری اصفهانی در جامعه معاصر، انجام چنین تحقیقی ضروری است تا الگوها و عناصری که توسط یکی از برجسته‌ترین معماران معاصر ایرانی، محسن فروغی، به کار گرفته شده است، شناسایی و تحلیل شوند. امیدواریم که نتایج این تحقیق نه تنها به توسعه و پیشرفت معماری نوگرا در ایران کمک کند، بلکه به دستیابی به رویه‌هایی نوآورانه و پیشرو در این حوزه نیز کمک شایانی نماید.

۲- روش پژوهش

در این تحقیق، به بررسی و ارزیابی آثار منتخب محسن فروغی از منظر کالبد پرداخته شده است. روش کیفی به‌عنوان ابزار اصلی در این پژوهش به کار گرفته شده است که شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها، مشاهدات و تحقیقات میدانی، همچنین مطالعات و فعالیت‌های پژوهشی می‌شود که مستقیماً به کسب اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این تحقیق منجر می‌شوند. راهبردهای استفاده‌شده در این تحقیق شامل رویکردهای توصیفی-تحلیلی و تفسیری-تاریخی است. از طرفی، با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی، جزئیات و ویژگی‌های کالبدی آثار مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر، با رویکرد تفسیری-تاریخی، سعی شده است تا ریشه‌ها و مفاهیم معماری سنتی ایران و نقش آن‌ها در آثار محسن فروغی، با استناد به منابع کتابخانه‌ای و تاریخی، به‌طور دقیق‌تر بررسی شوند. ابزار استفاده‌شده در روش پژوهش، استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای بوده که شامل بررسی مقالات، اسناد و کتب مرتبط، و نیز مرور پژوهش‌های پیشین است که به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز برای تحلیل آثار محسن فروغی، انجام شده است. استفاده از این روش‌ها و ابزارها، امکان ارزیابی دقیق‌تر و جامع‌تر آثار محسن فروغی و تأثیر آن‌ها بر تکامل معماری نوگرا در ایران را فراهم می‌کند.

۳- پیشینه پژوهش

با بررسی دیدگاه‌های متداول در این حوزه مشخص می‌شود که اغلب تحقیقات گذشته به طور عمده به جنبه‌های سبکی و تاریخی آثار فروغی متمرکز شده و اهمیت بخشی از آن‌ها، به ویژه تأثیر معماری سنتی ایرانی بر آثار او، نادیده گرفته شده است. فروغی به‌عنوان یک معمار مدرن تلقی شده است که الهام از اصول و عناصر معماری ایرانی می‌گرفت و آن‌ها را در طراحی بناهای خود به کار می‌برد. فعالیت‌های مختلف محسن فروغی در زمینه‌های فرهنگی از جمله آموزش و طراحی معماری و همچنین باستان‌شناسی او مهم شمرده شده و به نقش آن در توسعه و شکل دهی به معماری معاصر ایران تأکید شده‌است، اما به بررسی جزئیات و سبک‌شناسی آثار فروغی و تأثیر معماری سنتی یا سبک اصفهانی بر خط معماری او پرداخته نشده است. برای مثال، پیش از این، اسکندر مختاری در کتاب خود با عنوان "میراث معماری مدرن ایران" که در سال ۱۳۹۰ به رشته تحریر درآمد، به شرح حال و فعالیت‌های محسن فروغی و ارزیابی معماری برخی آثار او با نگاه به معماری مدرن، پرداخت؛ با این حال این کتاب فقط آن دسته از آثار معماری که در حیطه سبک معماری مدرن جای می‌گیرند را در بر گرفته است. (مختاری، ۱۳۹۰) همچنین، در کتابی با عنوان "نگاهی به پیدایش معماری نو در ایران" به قلم سیروس باور به فعالیت‌های مختلف محسن فروغی در زمینه‌های مختلف

فرهنگی از جمله آموزش و طراحی معماری و همچنین باستان‌شناسی او پرداخته شده‌است که علی‌رغم جامعیت و کامل بودن حوزه‌های ارزیابی شده از پرداخت به جزئیات و سبک‌شناسی آثار فروغی و تاثیر معماری سبک اصفهانی بر خط معمار صرف‌نظر شده‌است. (باور، ۱۳۸۷) علاوه بر این، تعدادی مقاله نیز در نشریات و مجلات مختلف معماری توسط دانش‌پژوهان و متخصصان فن به رشته تحریر درآمده‌است که از میان آن‌ها می‌توان به مقاله‌ای تالیف شده در زمینه جایگاه تزئینات در معماری پهلوی دوم با نگاه به آثار فروغی اشاره کرد. در این مقاله هیچگاه به ارزیابی جزئیات و نشانه‌های معماری سنتی ایران و سبک‌شناسی در معماری ارزشمند فروغی پرداخته نشده‌است. (قزلقیه، ۱۳۹۶) در پژوهش دیگری، معماری محسن فروغی از نقطه نظر برخورد سنت و مدرنیته بررسی شده که در آن تنها به وجود نشانه‌هایی از معماری گذشته ایران در بناهای او اشاره شده و به تحلیل جریان‌های معماری دوران پهلوی و تفاوت دیدگاه فروغی با دیگر معماران هم عصر خود اکتفا می‌شود. (شفیعی دشتی، ۱۳۹۴) در تمام این مقالات و کتب فوق‌الذکر، اثرات محسن فروغی بر معماری نوگرا ایران و نقش مهم او در شکل‌دهی به معماری معاصر ایران مورد بررسی قرار گرفته است. اما پژوهش حاضر سعی دارد تا با بررسی گسترده و دقیق‌تری از آثار محسن فروغی، به شناخت عمیق‌تری از نقش و تأثیرات او در تکامل معماری نوگرا ایران بپردازد و موارد جدیدی را برای تحقیقات آتی معرفی کند. علاوه بر این، پژوهش حاضر سعی دارد تأثیر معماری سبک اصفهانی بر خط معمار را در آثار محسن فروغی مورد بررسی قرار دهد. این بررسی به ارائه نقدی جامع و تحلیلی از تأثیرات معماری سبک اصفهانی بر ایجاد شکل‌دهی در آثار محسن فروغی و تأثیر آن در تکامل معماری نوگرا ایران اختصاص دارد که کمتر به آن پرداخته شده‌است.

۴- مبانی نظری پژوهش

۴-۱- زندگی‌نامه فروغی

محسن فروغی، به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته در معماری، فرهنگ، و سیاست ایران مطرح شده است. او با تلاش‌های بی‌وقفه در حوزه معماری و همچنین فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی، تأثیرات بسیاری را بر جامعه ایران گذاشته است. فروغی به عنوان یکی از پیشگامان در حرکت معماری و فرهنگی این کشور، توانسته است با آثار معماری خود، ارزش‌های فرهنگی ملی را با استفاده از فنون مدرن به تصویر بکشد و همچنین با شرکت در صحنه‌های سیاسی، تغییرات چشم‌گیری را در جامعه ایجاد کند. این نقش تأثیرگذار فروغی در جامعه، نشان‌دهنده اهمیت بالایی است که او در توسعه معماری و فرهنگ ایران داشته‌است.

محسن فروغی، یکی از مهم‌ترین معماران و تأثیرگذارترین افراد در دوران معماری نوگرا در ایران، با سابقه‌ای بی‌نظیر در زمینه آثار هنری و معماری شناخته می‌شود. او به عنوان یک پیشگام در جریان معماری مدرن ایران، نقش بارزی در تکامل و رشد معماری نوین این کشور ایفا کرده است. فروغی با بهره‌مندی از ذوق هنری و دانش تخصصی معماری، توانسته است با طراحی و اجرای اثرهایی متمایز، نقش بسزایی در تغییر شکل فضای معماری ایران داشته باشد. محسن فروغی فرزند محمد علی فروغی (ذکاء الملک) متولد سال ۱۲۸۶ بود. (باقری، ۱۳۸۰) او پس از خاتمه تحصیلات متوسطه در تهران، در سال ۱۳۰۸ عازم فرانسه شد و با گذراندن مسابقه ورودی دانشکده هنرهای زیبای پاریس در عرض پنج سال با احراز مدال‌های درجه اول موفق به اخذ دیپلم آن مدرسه شد و در ضمن دروس مدرسه شهرسازی پاریس را نیز تقییب می‌کرد. (آرشیبتکت، ۱۳۲۷) در سال ۱۳۱۵ به ایران مراجعت کرد و ابتدا در دانشکده ادبیات به تدریس تاریخ صنایع پرداخت و بعداً با سمت استادی در دانشکده فنی و هنرکده مشغول تدریس معماری شد. مشاغل دولتی که متناوباً عهده‌دار شد مسئولیت ادارات ساختمان وزارت خانه‌های فرهنگ و دارایی و بانک ملی ایران بود. کارهای عمده او طرح و اجرای ساختمان دانشکده حقوق دانشگاه تهران، طرح دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، طرح و اجرای کاخ دارایی، ساختمان شعب بانک ملی در شیراز، اصفهان و تبریز، بنای تعاون مصرف، بانک ملی شعبه بازار، بیمارستان بانک ملی و تعدادی ساختمان‌های خصوصی است. (معرفت، ۱۳۷۵) تأثیری که ساختمان‌های فروغی بر جای گذاشت قابل توجه بود، ولی به نظر می‌رسد که مهم‌ترین سهم او در این میان، اقدامات مهم او در پیشبرد حرفه معماری است. فروغی که در تشکیل اولین دانشکده معماری ایران نقش اساسی داشت، پس از آندره گدار، به عنوان نخستین رئیس ایرانی دانشکده معماری برگزیده شد. مشارکت او در تشکیل ((انجمن آرشیبتکت‌های ایران)) و تأسیس نخستین مجله حرفه‌ای به نام آرشیبتکت سبب شد تا وی به نیروی محرک اصلی جنبش معماری مدرن ایران بدل شود. (باور، ۱۳۸۱) فروغی و سایر همکاران معمار راهی را در پیش گرفتند که رژیم سیاسی-فرهنگی زمان در آن گام نهاده بود. وی برای شروع فعالیت‌های معمارانه اش نپذیرفت که سنت‌ها را به منزله‌ی مدلی در معماری نو خود قرار دهد، چون جنبش مدرن در ضمیر و فکرش راه یافته و این آگاهی کامل از شروع دورانی تازه را می‌نماید که فروغی در گسترش و به مرحله‌ی عمل درآوردنش از طریق خلق فضاهای معماری می‌کوشید او آگاهانه در این راه گام زد و با جهان‌بینی که داشت، بنیان و شالوده‌ی معماری نوین ایران را پی‌ریخت نقش دیگرش تأمل و تعمق در مورد پدیده‌های زمان و انتقال آن به دیگران از طریق تدریس در دانشگاه بود فروغی به خاطر پشتوانه‌ی سیاسی ارث برده از پدر « ذکاء الملک » و همچنین به سبب شهرت پدر در فعالیت‌های سیاسی-فرهنگی در جامعه‌ی مدنی، ایران فضای حکومتی-دولتی را از قبل می‌شناخت و به همین دلیل

با سرعت وارد میدان عمل در زمینه فرهنگی و سیاسی شد. فعالیت‌های وی به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- در زمینه سیاسی، ۲- در زمینه فرهنگی. در عالم سیاست فروغی پس از بازگشت به ایران به نمایندگی مجلس شورای ملی (سابق) رسید. او فعالیت‌های سیاسی را همیشه حفظ کرد تا این که به مقام سناتور نایل آمد و نماینده مجلس سنا شد. فروغی در زمینه فرهنگی در سه محور فعالیت داشت: الف- آموزش معماری، ب- معماری ساختمان سازی، ج- باستان شناسی و هنرها (باور، ۱۳۷۸)

۴-۲- تاریخچه سبک اصفهانی

سبک اصفهانی، یکی از شیوه‌های معماری بسیار مهم در تاریخ معماری ایران است. این سبک معماری با توجه به زیبایی‌های خود و تنوع ظاهری، در طول دوره‌های مختلف تاریخی مورد توجه قرار گرفته است. اصفهان به عنوان مرکز فرهنگی و معماری ایران در طول تاریخ، بارها مورد حمله و تغییر قرار گرفته است. اما سبک اصفهانی با تمرکز بر جزئیات زیبا و استفاده از مواد با کیفیت، که بیانگر ارزش‌ها و اندیشه‌های فرهنگی و هنری ایرانی است، در طول زمان مورد حفظ و توسعه قرار گرفته است. به طور کلی، سبک اصفهانی به عنوان یکی از نمادهای معماری ایران، نه تنها در زمان خود بلکه در دوره‌های بعدی نیز به عنوان مرجعی از نظر زیباشناسی و تاریخی شناخته شده و تأثیرگذاری بسیاری بر معماری ایران داشته است.

شیوه اصفهانی آخرین شیوه معماری ایران است. معماری بومی آذربایجان پدید آورنده سه شیوه معماری ایران از جمله شیوه اصفهانی بود. پس خاستگاه این شیوه، شهر اصفهان نبوده ولی در آنجا رشد کرده و بهترین ساختمان‌های آن در این شهر ساخته شده‌اند. شیوه اصفهانی دربرگیرنده شیوه‌هایی است که در نوشته‌های غربی شیوه صفوی، افشاری، قاجاری و زند-قاجار نامیده شده‌اند. این شیوه کمی پیش از روی کار آمدن صفویان از زمان قره قویونلوها آغاز شده و در پایان روزگار محمد شاه قاجار، دوره نخست آن به پایان می‌رسد. دوره دوم آن، زمان پسرقت (انحطاط) این شیوه است، که در واقع از زمان افشاریان آغاز شد و در زمان زندیان دنبال شد. ولی پسرقت کامل از زمان محمد شاه آغاز شد و در دگرگونی‌های معماری تهران و شهرهای نزدیک به آن آشکار شد. البته در گوشه و کنار ایران، در شهرهایی که به دور از این روند بودند، ساختمان‌های ارزشمندی ساخته شد، به ویژه خانه‌های زیبایی که زمان قاجاریان ساخته شده است. از آن پس دیگر شیوه‌های جانشین شیوه اصفهانی نشد و با اینکه تلاش شد این رشته‌ی پیوسته در معماری ایران پاره نشود، اما دیگر معماری آن سیر و روند تکاملی پیشین را نگرفت. (پیرنیا، ۱۴۰۲)

۴-۳- ویژگی‌های معماری سبک اصفهانی در کالبد

سبک معماری اصفهانی به عنوان یکی از شیوه‌های برجسته معماری ایران، ویژگی‌ها و جزئیات منحصر به فردی دارد که زیبایی و ارزش هنری بالایی را خلق می‌کند و آن را از سایر سبک‌های معماری متمایز می‌کند. با توجه به این ویژگی‌ها و جزئیات، می‌توان گفت که سبک اصفهانی با نگاهی به جزئیات و زیبایی‌های طبیعی و فرهنگی، به عنوان یکی از نمادهای برجسته معماری ایران، تأثیرگذاری بسیاری بر معماری این کشور داشته است. ویژگی‌های این شیوه چنین بررسی می‌شود:

- ساده شدن طرح‌ها که در بیشتر ساختمان‌ها، فضاها یا چهارپهلوی (مربع) هستند یا مستطیل.
- در شیوه آذری با بکارگیری یک هندسه قوی، طرح‌های پیچیده‌ای ساخته شده‌اند اما در شیوه اصفهانی، هندسه ساده و شکل‌ها و خط‌های شکسته بیشتر بکار رفت.
- در تهرنگ ساختمان‌ها نخیر و نه‌از (پیش‌آمدگی و پس‌رفتگی) کمتر شد، ولی از این شیوه به بعد ساخت گوشه‌های پخ در ساختمان رایج‌تر شد.
- همچنین پیمون بندی و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان در ساختمان دنبال شد.
- سادگی طرح در بناها هم آشکار شد. (پیرنیا، ۱۴۰۲) در نمودار ۱ به صورت خلاصه به جمع بندی کلی سبک اصفهانی می‌پردازیم:



نمودار ۱ - بررسی سبک معماری اصفهانی

ورود مستمر تکنولوژی و تجهیزات مدرن، به حذف ابنیه با کارکردهای سنتی و منسوخ شدن شیوه‌های سنتی اجرا شدت بیشتری بخشید. ولی کماکان بناهایی جدید با عملکرد سنتی مانند بناهای مذهبی و بازار و همچنین ساختمان‌هایی با عملکرد نوین به سبک سنت‌گرایی طراحی و اجرا شدند. ویژگی‌های ساختمان‌های معماری سنت‌گرایی از قرار ذیل است:

- نماها و نمادهای غالب بنا به تبعیت از شیوه اصفهانی
 - پلان مساجد و بازارها به شیوه اصفهانی
 - پلان بناها با عملکرد نوین به صورت برون‌گرا، به تبعیت از ساختمان‌های نئوکلاسیک و مدرن در غرب
 - اجرای بدنه بنا و نما با استفاده از آجر
 - در و پنجره‌ها و نرده‌ها چوبی و یا فلزی
 - استفاده از کاشی‌های لعبدار فیروزه‌ای با نقوش اسلیمی و ختایی برای تزئینات ساختمان
 - بام ساختمان غالباً به صورت محدب - طاق و گنبد - بعضاً مسطح
 - سازه ساختمان با استفاده از دیوار باربر و یا اسکلت فلزی یا بتنی (قبادیان، ۱۴۰۰)
- در نمودار ۲ به صورت خلاصه به بررسی این سبک معماری می‌پردازیم:



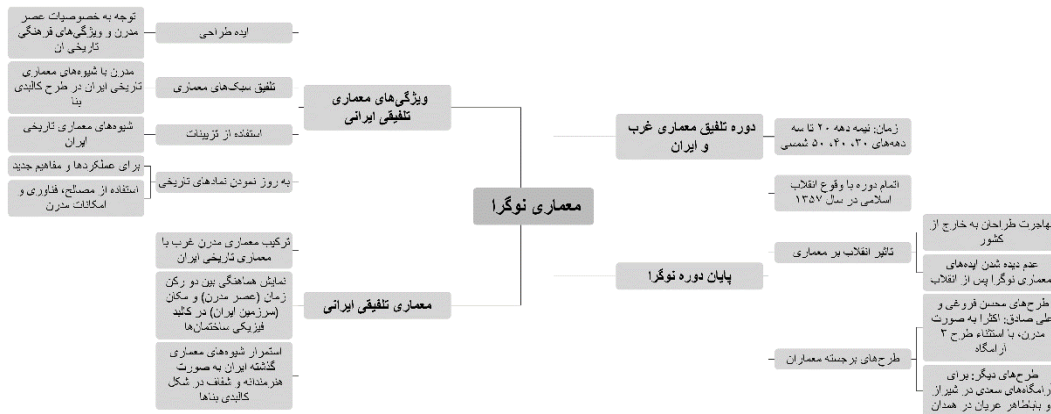
نمودار ۲ - بررسی سبک معماری سنت‌گرا

۴-۴- تاریخچه معماری نوگرا

معماری نوگرا یا معماری مدرن، جریانی در معماری است که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در اروپا ظهور کرده و سپس به سراسر جهان گسترش یافت. این جریان در تلاش بود تا با رهایی از الگوهای سنتی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، یک زبان معماری جدید و آزادانه را برای عصر خود ارائه دهد. معماری نوگرا به عنوان یک جریان مهم در تاریخ معماری، تأثیر بسزایی بر روی معماری مدرن جهانی داشته و تاکنون نیز به عنوان یکی از مبانی اصلی معماری مورد توجه است. این جریان به دنبال شکل‌دهی به ساختمان‌ها و فضاهایی بود که به وسیله آن‌ها توانستند نیازهای جامعه مدرن را برآورده کنند. برخلاف معماری سنتی که بیشتر بر تکرار الگوها و الهام‌گیری از گذشته تمرکز داشت، معماری نوگرا به دنبال نوآوری، شکستن قواعد معمول و ایجاد فضاهایی منعطف و باز اندیشیده بود. در این معماری، تمرکز بر استفاده از مواد و فناوری‌های نوین، شکل‌دهی به فضاهای باز و شفاف، سادگی در طراحی و توجه به نیازهای انسانی و اجتماعی برجسته بود. این جریان تأثیر بسزایی بر روی فضاهای شهری، محیط زیست و سبک زندگی مدرن داشته و همچنین به شکل‌دهی به زبان معماری مدرن کمک بسیاری کرده است. به این ترتیب، معماری نوگرا به عنوان یکی از پایه‌های اصلی معماری مدرن، همچنان تأثیرگذاری قابل توجهی در توسعه و پیشرفت معماری جهان دارد.

این دوره یکی از دوره‌های شاخص تلفیق معماری غرب و ایران، از نیمه‌ی دهه بیست و عمدتاً در طی سه دهه سی، چهل و پنجاه شمسی در زمان سلطنت پهلوی دوم بود. در این زمان تعدادی از معماران برجسته، ساختمان‌های مهم و ارزشمندی را با تلفیق معماری مدرن غرب با معماری تاریخی ایران (شیوه‌های پارتی، رازی، اصفهانی) طراحی کردند. در این بناها تلفیق این دو معماری کاملاً متفاوت، به شیوه‌ای بدیع و با ترکیبی بسیار زیبا صورت پذیرفت. اندیشه طراحان این بناها و یا به عبارتی، اصول نظری و شکلی این گونه معماری، بر دو رکن زمان (عصر مدرن) و مکان (سرزمین ایران) استوار بود. این دو رکن اساسی، هم تراز یکدیگر در ترکیب کالبدی ساختمان نشان داده می‌شد. در این دوره فرم‌های تاریخی و معماری گذشته ایران به عنوان زینت برای ساختمان متعارف مدرن مورد استفاده قرار نگرفت، بلکه معمار از ابتدای طرح، سعی در تلفیق و نمایش هر دو جنبه فرهنگ بومی ایران و خصوصیات جهانی عصر مدرن در کالبد فیزیکی بنا داشت. این مطلب برخلاف اغلب بناهای جدید است که یا شکل

ساختمان به کلی مدرن یا به کلی سنتی است و یا نمادهای سنتی به عنوان بزرگ ساختمان‌های مدرن مورد استفاده قرار می‌گیرد. اگرچه اهداف و غایات معماری نوگرایی ایرانی مشابه پست مدرن در غرب است و در هر دو، معماری عصر مدرن با توجه به تاریخ و گذشته طراحی شده، اما تلفیق معماری تاریخی و مدرن در ایران از سال ۱۳۲۴ شمسی (۱۹۴۵ میلادی) شروع شده و لذا نمی‌توانسته تحت تاثیر معماری پست مدرن که از سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷ میلادی) آغاز شده باشد. بنابراین، نظر سیحون و بانی مسعود در مورد عدم ارتباط بین این دو سبک معماری صحیح است. بدین ترتیب حتی قبل از آن که معماری پست مدرن در غرب و نهایتاً در کشورهای دیگر گسترش یابد، نوعی معماری مدرن ایرانی که توجه به تمدن، فرهنگ و معماری ایران داشت، در کشور ما رشد نمود. از این جهت برای این‌گونه معماری می‌توان نام معماری نوگرایی ایرانی را انتخاب نمود. در ساختمان‌های این سبک از یک طرف خصوصیات و نوآوری‌های عصر مدرن دیده می‌شود و از طرف دیگر استمرار شیوه‌های معماری گذشته ایران به صورت شفاف و هنرمندانه‌ای در شکل کالبدی بناها متجلی است. پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، اغلب طراحان این ساختمان‌ها به خارج از کشور رفتند. در طرح‌های آن‌ها پس از این زمان، ایده این سبک معماری دیده نمی‌شود. لذا سال ۱۳۵۷ را می‌توان سال پایان معماری نوگرایی ایرانی نامید. طرح‌های محسن فروغی و علی صادق عمدتاً در قالب سبک معماری مدرن است، ولی طرح ۳ آرامگاه توسط این دو معمار در چارچوب معماری نوگرایی ایرانی است. دو طرح دیگر محسن فروغی و علی صادق یکی برای آرامگاه سعدی در شیراز و دیگری برای آرامگاه باباطاهر عریان در همدان است. (قبادیان ۱۴۰۰) در نمودار ۳ به صورت خلاصه به بررسی این سبک از معماری می‌پردازیم:



نمودار ۳ - بررسی سبک معماری نوگرا

۴-۵- ویژگی‌های کالبدی معماری نوگرا

معماری نوگرا به عنوان یک رویکرد نوین در حوزه معماری، تلاش می‌کند تا با تلفیق عناصر سنتی و مدرن، ساختمان‌هایی را طراحی و اجرا کند که علاوه بر توجه به استفاده از فناوری‌های پیشرفته، توانایی حفظ ارزش‌های فرهنگی و محیطی را نیز داشته باشد. این رویکرد به منظور ایجاد ساختمان‌هایی است که به‌طور همزمان با فرهنگ و سنت محلی سازگاری داشته و از جدیدترین تکنولوژی‌ها و روش‌های ساخت استفاده می‌کنند. ویژگی‌های اساسی معماری نوگرا شامل موارد زیر است:

- ۱- ایده طراحی با توجه به خصوصیات عصر مدرن و ویژگی‌های فرهنگی تاریخی آن
- ۲- تلفیق سبک‌های معماری مدرن با شیوه‌های معماری تاریخی ایران در طرح کالبدی بنا
- ۳- استفاده از تزئینات شیوه‌های معماری تاریخی ایران
- ۴- به روز نمودن نمادهای تاریخی برای عملکردها و مفاهیم جدید
- ۵- به‌کارگیری مصالح، فن‌آوری و امکانات مدرن (قبادیان ۱۴۰۰)

۴-۶- بناهای آرامگاهی

بناهای آرامگاهی، بناهایی هستند که به عنوان مکان دفن و گورستان برای اشخاص معین، مثلاً حاکمان، پادشاهان، نجیب‌زادگان یا شخصیت‌های مهم تاریخی شناخته می‌شوند. این بناها اغلب با افتخار و ابهام معماری، فنون تزئینی و ثروت فرهنگی ساخته شده‌اند. آرامگاه‌ها علاوه بر نقش دفن، نقشی مهم در حفظ و یادآوری تاریخ، فرهنگ و هویت ملی یا فرهنگی دارند. بناهای آرامگاهی، علاوه بر اهمیت تاریخی و فرهنگی، ارزش‌های هنری، معماری و انسان‌شناختی بسیاری نیز دارند. بررسی و مطالعه آن‌ها به عنوان یکی از راه‌های ارتقاء دانش و فهم ما از جوانب مختلف زندگی و تاریخ انسانی می‌تواند مفید و موثر باشد.

در میان زیر مجموعه های معماری، معماری آرامگاهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و بخش قابل توجهی از بقایای معماری قدیم را شامل میشود. این دسته از بناها از جنبه‌های مختلف معماری، تاریخی، هنری، مذهبی و اجتماعی قابل مطالعه و بررسی‌اند. اصولاً توجه به آرامگاه و آرامگاه سازی در میان جوامع مختلف انسانی دارای سابقه طولانی حتی بیش تر از خود معماری است. این توجه و علاقه، معلول دو عامل عمده، یعنی اعتقاد به جهان بعد از مرگ و حب ذات و در دوره های متاخر، اعتقاد و ارادت دوست‌داران و پیروان شخص متوفی بوده است. در ایران نیز از همان ادوار پیش از تاریخ، توجه ویژه‌ای به ساخت آرامگاه، هر چند بسیار ابتدایی، شده است. از چند سده اول اسلامی، به جهت وضعیت تاریخی ایران، آثار معماری اندکی باقی مانده، اما بعد از این تاریخ، شاهد گسترش معماری به خصوص بناهای آرامگاهی در مناطق مختلف هستیم از دلایل این گسترش معماری آرامگاهی میتوان به مهاجرت امام زادگان و سادات به ایران و شهادت و فوت آنان و هم چنین شکل‌گیری دولت‌های محلی و ملی اشاره کرد. از این تاریخ به بعد، با تعداد زیادی بنای آرامگاهی روبه رو هستیم که در دوره های مختلف بر مزار امام زادگان، علما، بزرگان کشوری و لشکری ساخته و پرداخته شده‌است. (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶) از آنجا که آرامگاه‌های دوره اسلامی ایران، یکی از شاخص ترین جلوه‌گاه‌های هنر معماری ایران به شمار می‌روند، لزوم شناسایی و فراهم آوردن زمینه مطالعه و تحقیق در آنها، کاری پر ارج است. چرا که به رغم سابقه درخشان ایران در هنر معماری، نه تنها بیگانگان بلکه خود ایرانیان نیز شناخت درستی از میراث ارزشمند و کهن ایران ندارند. پس برای رهایی از این گرداب بیگانگی باید به شناسایی میراث‌های فرهنگی خویش پرداخت و با توجه به نیازهای زمان از آنها بهره گرفت. (پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، ۱۳۷۶)

۴-۷- بررسی آرامگاه آرتور پوپ

آرامگاه آرتور آپهام پوپ، یکی از بناهای تاریخی و فرهنگی مهم در شهر اصفهان است، که از دیدگاه معماری و تاریخی اهمیت دارد. این آرامگاه، به عنوان آرامگاهی از دوران قاجاریان، نمونه‌ای از معماری مرتبط با این دوره تاریخی در ایران محسوب می‌شود. این آرامگاه در محوطه‌ای مجاور مسجد جامع اصفهان واقع شده است و از لحاظ معماری و تزئینات به دلیل ارتباط و هماهنگی با معماری اصفهانی مورد توجه است. با این حال، به دلیل عدم ثبت رسمی تاریخی، شناخت کافی از این بنا و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی آن در دسترس نیست. علی‌رغم عدم ثبت رسمی تاریخی، بررسی و مطالعه آرامگاه آرتور آپهام پوپ به عنوان یک بنا تاریخی و فرهنگی در شهر اصفهان اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند به شناخت بهتر تاریخ و فرهنگ منطقه کمک کند.



شکل ۱- آرامگاه آرتور آپهام پوپ، عکاس: رسول شجاعی

آرتور پوپ خاورشناس متخصص صنایع اسلامی در هنرستان شیکاگو، از ایران شناسان معروف به شمار می‌رود. وی در دانشگاه براون دکرال و هاروارد آمریکا تحصیل کرد و در زمان جنگ وارد نظام شد. در سال ۱۹۲۶م / ۱۳۰۵ش در نمایشگاه فیلادلفی از طرف ایران مأموریت یافت و در کنگره‌های بین المللی صنایع مستظرفه در سال‌های ۱۹۲۶م، ۱۹۳۱م، ۱۳۱۰ش لندن، ۱۹۳۲م، ۱۳۱۱ش لندن شرکت نمود. وی در کمیته بین المللی صنایع ایران عنوان منشیگری داشت و ۶ کتاب به عنوان A Survey of Persian art در مورد آثار صنایع مستظرفه ایران به چاپ رساند. پوپ در ۱۲ شهریور ۱۳۴۸ش درگذشت و بنا بر وصیت خود او در اصفهان به خاک سپرده شد. آثار به جای مانده از وی علاوه بر کتب مذکور، قالب‌های قدیم شرقی، مقدمه‌ای بر هنر ایران و شاهکارهای هنر ایران می‌باشد. از مقایسه سفرنامه‌های جهانگردان خارجی با ایرانگردان ایرانی در می‌یابیم تحولات صنعتی و روابط سیاسی و اجتماعی از جاذبه‌های عمده‌ای هستند که چشمان جهانگردان ایرانی را در غرب خیره کرده است. از دیگر سو، آثار باستانی، معماری هنرهای گوناگون، از قبیل صنایع دستی، کاشی‌کاری مینیاتور، خطاطی همراه با روابط عمیق انسانی و عاطفی، میهمان دوستی، گشاده دستی و... جاذبه‌هایی هستند که همواره برای ایرانگردان شگفت‌انگیز بوده

است. (مظاهری، ۱۳۷۸) آرامگاه آرتور پوپ و همسر او، دکتر فیلیس اکرم‌ن در کنار پل خواجو اصفهان، از طرح‌های زیبای محسن فروغی به سبک سنت‌گرایی است. این ساختمان در اوایل دهه ۱۳۵۰ توسط استاد حسین معارفی اجرا شد. قوس‌های جناغی، آجرچینی و کاشی‌کاری با طرح‌های اسلیمی و ختایی و با اقتباس از شیوه اصفهانی از جمله نمادهای شاخص در این آرامگاه کوچک و شکیل است. (قبادیان ۱۴۰۰) این مقبره در ضلع شمالی ساحل زیبای زاینده رود در کنار پل خواجو قرار دارد. در آنجا استادان عالی مقام پس از مطالعه وصیت‌نامه پرمعناى مرحوم پرفسور پوپ به زبان‌های انگلیسی و فارسی و نیز اشعار نغمه‌ساز جلال‌الدین همایی (۱۳۵۹-۱۳۶۷ هجری شمسی) که به صورت بسیار زیبایی در اطراف سقف گنبدی شکل مقبره کاشی‌کاری شده بود، از بزرگان، دانشمندان، حکیمان، شاعران، نویسندگان و هنرمندان این شهر ادب‌پرور سخن گفتند و پیشنهاد فرمودند شایسته است طی مقاله‌ای وصیت‌نامه پرفسور پوپ در اختیار واحدهای آموزشی قرار گیرد تا دانش آموزان و دانش پژوهان بدانند شهر اصفهان زمانی زادگاه و محل زندگی و مهد فعالیت‌های علمی و فنی پرچمداران تمدن و فرهنگ بشری بوده است. جا دارد، آثار فعالیت‌ها و روش‌هایی که این بزرگان در تحصیل و تدریس علوم به کار می‌برده‌اند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا پیوند ما با فرهنگ غنی و سرشار از پویایی کشورمان استحکام بیشتری پیدا کند و نیز دریابیم که برای کسب افتخارات گذشته راهی نداریم جز آن‌که با کار و کوشش شبانه‌روزی و بدون از دست دادن فرصت‌ها که همچون ابرها به سرعت می‌گذرند به مطالعه، بررسی، خودسازی و کشف راه‌های بهتر آموزش و پرورش بپردازیم و ویژگی‌های برجسته بزرگان خود را در وجود خود زنده کنیم. اشعار مرحوم استاد جلال‌الدین همایی در سال ۱۳۵۰ سروده شد و به کمک هنر کاشی‌کاری در دور تا دور گنبد کوچک مقبره نقش بسته است. (مظاهری، ۱۳۷۸) در جدول ۱ ویژگی‌های این آرامگاه به صورت خلاصه آورده شده است:

جدول ۱ - بررسی ویژگی‌های آرامگاه پوپ

آرامگاه آرتور پوپ	ویژگی‌ها
ضلع شمالی ساحل زاینده رود، کنار پل خواجو، اصفهان	موقعیت مکانی
اوایل دهه ۱۳۵۰	زمان احداث
ساخت: استاد حسین معارفی، طراحی: محسن فروغی	معمار
سنت‌گرا	سبک معماری بنا
دارد	عناصر معماری اصفهانی
قوس‌های جناغی، آجرچینی، کاشی‌کاری با طرح‌های اسلیمی و ختایی	تزئینات
شعرهای جلال‌الدین همایی در اطراف سقف گنبدی	نقوش کاشی‌کاری
دارد	ارتباط با فرهنگ ایران
ثبت نشده	شماره ثبت ملی

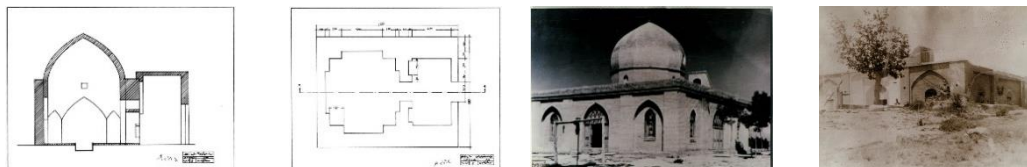
مقبره پرفسور آرتور ایهام پوپ، به‌عنوان یکی از مهمترین معابد معماری در اصفهان، نمادی از تلاقی هنر، فرهنگ و دانش است. این بنا، یک آثار تاریخی بسیار معنوی و با ارزش است که نه تنها در ساحل زیبای زاینده رود، بلکه در قلب فرهنگ و تاریخ اصفهان مستقر شده است. مقبره پوپ در ضلع شمالی ساحل زاینده‌رود در کنار پل خواجو، در اصفهان واقع شده است؛ این مکان، انتخابی استراتژیک است، که نشان دهنده ارتباط ویژه‌ای بین پوپ و ایران است. زاینده‌رود به‌عنوان یکی از جاذبه‌های طبیعی و تاریخی اصفهان، مکانی زیبا و شناخته شده است، که انتخاب آن برای مکان مقبره، احساس ارتباط با جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی این شهر را افزایش می‌دهد. از متن مشخص است که مقبره دارای یک گنبد کوچک با سقف گنبدی است که به شیوه کاشی‌کاری زیبا و هنرمندانه‌ای تزئین شده است. این نوع طراحی و تزئینات کاشی‌کاری تأثیرات هنری و فرهنگی ایرانی را به خوبی نشان می‌دهد. علاوه بر این از متن بر می‌آید که در اطراف سقف گنبدی، اشعاری از جلال‌الدین همایی به شیوه کاشی‌کاری زیبا قرار گرفته است. این تزئینات نشان از اهمیت ادبی و فرهنگی در مقبره دارد و احتمالاً به تمجید از فرهنگ و ادبیات ایرانی می‌پردازد. مکان و طراحی مقبره، در جهت ابراز ارتباط عمیق پوپ با ایران و فرهنگ این کشور و همچنین اشاعه ایده‌ها و اهداف او در حوزه‌های مختلف هنری و فرهنگی است. تزئینات و نقوش مقبره نیز احتمالاً تأثیری از ارتباط وی با ادبیات و شعر ایرانی و تمجید از آن دارد. مقبره پوپ می‌تواند به‌عنوان یک مرکز فرهنگی و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد که تا به‌آشنایی بیشتر با زندگی و اهداف پوپ و همچنین تاریخ و فرهنگ ایران منجر شود. با توجه به این عوامل، مقبره پوپ نه تنها به‌عنوان یک مکان جاذبه‌گرایانه، بلکه به‌عنوان یک نماد ارتباط عمیق پوپ با فرهنگ و تاریخ ایران و همچنین به‌عنوان یک مرکز فرهنگی و آموزشی می‌تواند نقش مهمی در حفظ و انتقال آثار و ارزش‌های او و همچنین فرهنگ و تاریخ ایران داشته باشد.

۴-۸- بررسی آرامگاه باباطاهر

آرامگاه باباطاهر، نمونه‌ای از آثار معماری بارز ایران است که به واسطه تاریخ و فرهنگ غنی خود اهمیت دارد. این آرامگاه نه تنها نمادی از تاریخ و فرهنگ این منطقه است، بلکه مثالی است از ترکیب هنر و معماری مدرن با سنت‌های فرهنگی. بررسی این بنا به ما کمک می‌کند تا فراتر از معماری آن، به درک بهتری از تاریخ، هنر و ارزش‌های فرهنگی این منطقه بپردازیم. همچنین، این آرامگاه به عنوان یک مقصد گردشگری مهم، به توسعه اقتصادی و محلی منطقه کمک می‌کند. بنابراین تحلیل آن، ما را از اهمیت حفظ، توسعه و ارتقاء ارزش‌های فرهنگی و تاریخی این منطقه آگاه می‌سازد.



همانطور که از دوبیتی‌های باباطاهر مشخص است وی را میتوان در زمره شخصیت‌ها و عرفای اشراقی نام برد. او ساده و درویش مسلک بوده و این موضوع را میتوان از لقب (باباطاهر عربیان) که به او نسبت داده‌اند دانست. البته این موضوع را نیز میتوان در دوبیتی‌های معروف او به وفور یافت. (نسایی، ۱۳۹۵: ۷) آرامگاه باباطاهر در شمال شهر همدان و در میدانی به نام وی قرار دارد. این آرامگاه در سال ۱۳۴۴ ساخته شده و در سال ۱۳۸۳ بازسازی شده است. بنای مقبره باباطاهر در گذشته چندین بار بازسازی شده است. در قرن ششم هجری برجی آجری و هشت ضلعی بوده است. در دوران حکومت رضا شاه پهلوی نیز بنای آجری دیگری به جای آن ساخته شده بود. در جریان این بازسازی، لوح کاشی فیروزه‌ای رنگی مربوط به سده هفتم هجری به دست آمد که دارای کتیبه‌ای به خط کوفی برجسته و آیاتی از قرآن است و هم اکنون در موزه باستان شناسی نگهداری میشود. احداث بنای جدید در سال ۱۳۴۴ خورشیدی به همت انجمن آثار ملی و شهرداری وقت همدان و توسط مهندس محسن فروغی انجام شده است. این بنای تاریخی طی شماره ۱۷۸۰ در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۶ به ثبت آثار انجمن ملی ایران رسیده است. (نسایی، ۱۳۹۵: ۸) این بنا در طول قرون مختلف شاهد تخریب و بازسازی‌های متعدد بوده است. در قرن ششم هجری یک برج هشت ضلعی آجری بر روی قبر باباطاهر ساخته شد که بعدها بر اثر مرور زمان ویران شد. در زمان پهلوی اول از طرف شهرداری همدان بنای جدیدی به جای بنای قدیمی ساخته شد که مصالح آن بیشتر آجر بود. در جریان همین بازسازی، لوح کاشی مربوط به قرن هفتم هجری که هم اکنون در موزه ایران و باستان نگهداری میشود، به دست آمد. بر روی این کاشی فیروزه‌ای رنگ، آیات قرآن مجید به خط کوفی برجسته نوشته شده است. طراحی این بنا توسط مهندس فروغی طراحی و اجرا شده است و فروغی با نگرشی به سبک معماری مدرن و الگوبرگیزی از معماری ایرانی مقبره باباطاهر را بر روی یک پلان هشت ضلعی منظم و گنبد فیروزه‌ای بر پایه ستون هشت، طراحی کرده است. مفهوم این بنا و سبک طراحی آن بیشتر به روحیات و شخصیت عرفانی او ارتباط دارد و بیشترین الهام در طراحی این بنای یادمانی همین موارد است. (گیو و همکاران، ۱۳۹۵) ایده بنای فعلی، از شخصیت عرفانی باباطاهر و گرفته شده از فانوس است، که در گذشته جهت روشنایی و روشن شدن راه و یافتن مسیر از آن استفاده می‌شد و همچنین ۸ عدد ستون پیرامون بنا که در معماری اسلامی عدد ۸ نماد بهشت است که به عنوان ایده برج انتخاب شده است. (نسایی، ۱۳۹۵: ۷) بنای اصلی به ابعاد ۱۰ × ۱۰ متر با مجموعه‌ای از منشورها پوشیده شده و دارای مدخل‌های ورودی و منفذهای نور است. نما و محوطه داخلی آرامگاه از دو بیتی و سروده‌های باباطاهر برابر با ۲۴ قطعه سنگ مرمرین نوشته و نصب شده است. دو لوح برنجی نیز در محوطه داخلی نصب شده است که یکی از آن‌ها اسامی هیأت مؤسس انجمن آثار ملی و دیگری نام برخی از شخصیت‌هایی است که در کنار باباطاهر دفن شده‌اند. مساحت کل زیربنای آرامگاه و باغ اطراف آن حدود ۸۹۵۰ متر مربع است. (۵: ۱۳۹۵، نسایی) آرامگاه باباطاهر با الگوی معماری مدرن و توجه به سرگذشت و روحیات خود باباطاهر و علم او طراحی شده است. معماری این بنا به سبک ایرانی و برج با گنبدی استوار بر هشت ستون می‌باشد که پلانی هشت گوش دارد. فرم و نوع طراحی گنبد باباطاهر مانند آرامگاه بوعلی رک است و بر هشت ستون خود استوار گردیده است و گنبد فیروزه‌ای به بنا جلوه خاصی داده است. (اقطایی، ۱۳۹۷) مقبره باباطاهر همانند طرح مقبره بوعلی سینا در همین شهر، به تبعیت از مقابر سلجوقی (شیوه رازی) ولی با مصالح و ترکیب جدید و متفاوت از گذشته طراحی شده است. لذا باید عنوان نمود که طرح این مقبره نیز در چارچوب اصول نظری سبک نوگرایی ایرانی انجام شده است. (قبادیان ۱۴۰۰) در جدول ۲ ویژگی‌های این بنا به صورت خلاصه بررسی شده است:



منبع: اسناد میراث فرهنگی

جدول ۲ - بررسی ویژگی‌های آرامگاه باباطاهر

ویژگی‌ها	آرامگاه باباطاهر
موقعیت مکانی	شمال شهر همدان در میدانی به نام وی، ایران
سال ساخت	ساخت: ۱۳۸۳، بازسازی شده: ۱۳۴۴ (چندین بار بازسازی شده)
معمار	مهندس محسن فروغی
سبک معماری	نوگرا
الهام گرفته از	فانوس و عدد هشت که نماد بهشت است
عناصر معماری اصفهانی	دارد
تزیینات	گنبد رک با کاشی کاری فیروزه‌ای و ستون‌ها و پایه‌های متعدد
تزیینات محیط داخلی	نصب دویبته‌ها و سروده‌های باباطاهر و لوح‌های برنجی
شماره ثبت ملی	۱۸۷۰ (در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۶)

آرامگاه باباطاهر، با توجه به توصیفات ارائه شده، به عنوان یک آثار معماری مهم و جالب در همدان معرفی می‌شود. این آرامگاه، همراه با تاریخچه‌ای طولانی از تخریب و بازسازی‌ها، در طول زمان به شکل‌های مختلفی درآمد است. اما آخرین نسخه بازسازی آن، به دست مهندس محسن فروغی در سال ۱۳۴۴ خورشیدی، به ویژگی‌ها و جوانی از معماری مدرن و سبک ایرانی پیوسته است. طراحی آرامگاه باباطاهر، با توجه به توصیفات، در چارچوب سبک نوگرایی ایرانی صورت گرفته است. از جمله ویژگی‌های بارز آن می‌توان به فرم گنبد با گنبدهای فیروزه‌ای، پایه‌های ستونی با الهام از برج و منشورهای پوشیده شده بر بنا اشاره کرد. این آرامگاه با احیای عناصر سنتی ایرانی مانند گنبد، ستون‌ها و منشورها، در کنار استفاده از مصالح مدرن، نمونه‌ای از تلاقی بین سنت و مدرنیته را ارائه می‌دهد. به علاوه، محیط داخلی آرامگاه نیز با حفظ اصول معماری اسلامی و ایرانی، با نصب دویبته‌ها و سروده‌های باباطاهر و نیز لوح‌های برنجی حاوی نام‌های شخصیت‌های معتبر، راهی برای حفظ ارزش‌های فرهنگی و تاریخی این منطقه است. در نهایت، طراحی آرامگاه باباطاهر، به دلیل توجه به سرگذشت و روایات باباطاهر و الهام‌گیری از عناصر معماری ایرانی، نه تنها یک آثار معماری زیبا و جذاب است، بلکه به عنوان یک نماد از هماهنگی بین مدرنیته و ارزش‌های فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد. به طور واضح می‌توان تأثیر سبک معماری اصفهانی را در طراحی آرامگاه باباطاهر مشاهده کرد. سبک معماری اصفهانی، یکی از برجسته‌ترین سبک‌های معماری ایرانی است که در دوران صفویه به اوج خود رسید. این سبک معماری، معماری دینی و شاهنشاهی ایران را تحت تأثیر قرار داد و از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به استفاده از گنبد، استفاده هنرمندانه از فیروزه‌ها و کاشی‌های رنگارنگ، استفاده از طرح‌های هندسی و گلی، ستون‌ها و پایه‌های فراوان اشاره کرد. در آرامگاه باباطاهر، از برج‌های گنبدی و گنبدهای فیروزه‌ای استفاده شده است که به وضوح به سبک اصفهانی اشاره دارند. همچنین، استفاده از کاشی‌های رنگی و منشورهای پوشیده شده بر بنا، نمادی از هنرمندی و زیبایی در طراحی معماری را نشان می‌دهد که نزدیک به سبک اصفهانی است. علاوه بر این، استفاده از ستون‌ها و پایه‌های فراوان نیز یکی از ویژگی‌های معماری اصفهانی است که در طراحی آرامگاه باباطاهر به چشم می‌خورد. این ستون‌ها و پایه‌ها، به زیبایی و استحکام بنا اضافه کرده و به سبک معماری اصفهانی نزدیکتر می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت آرامگاه باباطاهر، با ترکیبی هنرمندانه از عناصر سنتی و مدرن، به عنوان یکی از آثار معماری بارز ایران معرفی می‌شود. تأثیرات سبک‌های معماری ایرانی، از جمله سبک نوگرایی ایرانی و سبک معماری اصفهانی، در طراحی آرامگاه باباطاهر به وضوح قابل مشاهده است و این بنا را به یک نماد از تلاقی بین مدرنیته و ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایران تبدیل می‌کند. آرامگاه باباطاهر، علاوه بر تأثیرات سبک نوگرایی ایرانی، تأثیرات قابل ملاحظه‌ای از سبک معماری اصفهانی نیز دارد که به زیبایی و جذابیت آن افزوده است.

۴-۹- بررسی آرامگاه سعدی

آرامگاه سعدی، به عنوان یکی از نمادهای فرهنگی و هنری برجسته ایران، معرفی می‌شود. این آرامگاه نه تنها به عنوان مکانی برای قرارگیری آثار شاعر بزرگ ایران، بلکه به عنوان یک مرکز فرهنگی و هنری مهم شناخته می‌شود. در این بنا تلفیق منحصر به

فردی از عناصر معماری و هنری ایرانی با تأثیرات فرهنگی خارجی به چشم می‌خورد. تزئینات دقیق با کاشی‌های فیروزه‌ای و تراورتن، اصالت هنری ایرانی را تأکید می‌کنند و بازدیدکنندگان را به دنیای زیبایی‌های فرهنگی و هنری ایرانی می‌کشانند. از این رو، بررسی و تحلیل آرامگاه سعدی به ما کمک می‌کند تا فراتر از معماری آن، به درک بهتری از ارزش‌های فرهنگی و هنری این منطقه بپردازیم.



سعدی شیرازی یکی از ستارگان درخشان ادبیات پارسی است که در سال ۶۰۵ ه. ق در خانواده دانشمند و سرشناسی در شیراز چشم به جهان گشود سعدی تحصیلات خود را ابتدا در شیراز و سپس در بغداد فرا گرفت. بعد از اتمام درس شروع به سفرهای متعددی به فلسطین، حجاز، شام، بین‌النهرین، آسیای صغیر، طرابلس، نواحی شمال، آفریقا، هند، ترکستان، کاشغر و بلخ کرد که حاصل تجربه‌های این سفرها دو اثر ماندگار گلستان و بوستان که در نوع خود بی‌نظیراند شد. سعدی در سال ۶۹۰ ه. ق در شهر شیراز چشم از جهان بست و در خانقاه خود به خاک سپرده شد. از سیاحان نامی که از آرامگاه وی دیدن کرده‌اند میتوان به ابن بطوطه اشاره کرد که در سال ۷۴۸ (ه. ق) یعنی در حدود ۵۷ سال پس از مرگ سعدی از این مکان دیدن کرده‌است. کریم خان زند در دوران حکمرانی خود در ۱/۵ کیلومتری آرامگاه حافظ دستور ساخت عمارتی را بر روی مقبره سعدی داد که در کل شامل بنایی دو طبقه آجری با دو اتاق در طرفین خود بوده است. در سال ۱۳۲۷ (ه. ق) بنای فعلی آرامگاه با همکاری علی اصغر حکمت ساخته شد؛ آرامگاه شامل گنبدی آبی رنگ می‌باشد که در جلوی آن و رو به ورودی مجموعه ایوانی ستون دار با ارتفاعی زیاد قرار گرفته است. (خجندی، ۱۳۸۶) مجموعه مقبره هشت ضلعی می‌باشد که در طرف چپ خود رواقی با طاق نماهای بیضی شکل بازدیدکنندگان را به سمت حوض ماهی‌های سعدی هدایت می‌کنند. مقبره با اشعار سعدی و کاشی‌کاری‌های نفیسی مزین شده است آرامگاه و حوض ماهی در طرح جدید خود در محیطی سبز با درختان سرو کهن شیرازی احاطه شده است، که معادل ۷۷۰۰ متر مربع می‌باشد. از این مساحت ۲۱۶ متر مربع مربوط به ساختمان آرامگاه و ۱۴۱ متر مربوط به اتاق نگهبانی و تالار پذیرایی می‌باشد. (بانی مسعود، ۱۳۸۹) در طراحی مجموعه سعی در حفظ سنت‌های مردم شیراز در خصوص سعدی و آب رکن آباد انجام شده است، که خود به پویایی مجموعه افزوده است. سعدی را میتوان از معروف‌ترین شاعران ایران چه در زمان حیات و چه در دوران بعد از خود دانست. شهرت اشعار پند آمیز و حکمت آمیز او حتی در زمان حیات خود از کشور چین تا شمال آفریقا گسترش یافته بود که این امر مایه مباهات و افتخار هر ایرانی صاحب ذوق می‌باشد. طراحی مجموعه آرامگاه سعدی را مهندس محسن فروغی با همکاری علی اکبر صادق بر عهده داشته‌اند که در سال ۱۳۲۸ شروع و در سال ۱۳۳۰ هجری به اتمام رسیده است، در طراحی آرامگاه و باغ پیرامونش الگوهای باغ سازی اروپایی و تزئینات ایرانی به وضوح دیده می‌شود (ویلبر، ۱۳۸۸) که با ترکیبی استادانه در کنار هم جای گرفته‌اند. ساختمان آرامگاه بنایی است تشکیل شده از دو ایوان عمود بر هم که مدفن شیخ اجل در زاویه این دو ایوان قرار گرفته‌است. در انتهای ایوان غربی آرامگاه شاعر معروف دوران قاجاریه مرحوم شوریده شیرازی (فصیح الملک) نیز قرار گرفته است، که به زیبایی با آرامگاه ترکیب شده است. رنگ سیاه پایه‌های بنا و سنگ‌های قرمز رنگ مخصوص که بر ستون‌ها و جلوی ایوان اصلی حجاری و نصب شده‌اند به ایوان جلال و شکوه ویژه‌ای بخشیده‌اند. نمای خارجی بنا از سنگ تراورتن و نمای داخلی از سنگ مرمر می‌باشد که با دقت اجرا شده‌اند. (ویلبر، ۱۳۸۸) رنگ آبی گنبد که از سایر رنگ‌های نما متمایز می‌باشد از ابتدای تنگه الله‌اکبر قابل مشاهده است، که در پیش زمینه خود صحنه ای روایی را خلق کرده است، که دل هر بیننده‌ای را شیفته خود می‌کند. گسترش فضای سبز جلوی آرامگاه و ساخت پارک کوهی و آبشار مجاور مجموعه که در همین چند سال اخیر اتفاق افتاده است، پویایی مجموعه را بیشتر کرده است که امیدواریم این روند ساخت در کنار سایر مجموعه‌های دیگر نیز طراحی و اجرا شود. دو طرح دیگر محسن فروغی و علی صادق یکی برای آرامگاه سعدی در شیراز و دیگری برای آرامگاه باباطاهر عریان در همدان است. آرامگاه سعدی در شیراز به سفارش انجمن آثار ملی ایران بین سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۳۹ اجرا شد. کاشی‌کاری‌های داخل بنا بعلاوه گنبد آن که با قوس جناغی و کاشی‌های فیروزه‌ای اجرا شده و ایوان آن که شبیه کاخ چهلستون در اصفهان است، از جمله نمادهای بارز ملهم از شیوه اصفهانی در طرح این ساختمان مدرن است. مقبره باباطاهر همانند طرح مقبره بوعلی سینا در همین شهر، به تبعیت از مقابر سلجوقی شیوه رازی ولی با مصالح و ترکیب جدید و متفاوت از گذشته طراحی شده. لذا باید بیان

نمود که طرح این مقبره نیز در چارچوب اصول نظری سبک نوگرایی ایرانی انجام شده است. (طالع، ۱۳۹۳) آرامگاه سعدی در شیراز به سفارش انجمن آثار ملی ایران، بین سال‌های ۱۳۳۱-۱۳۲۹ اجرا شد. کاشی‌کاری‌های داخل بنا بعلاوه گنبد آن که با قوس جناغی و کاشی‌های فیروزه‌ای اجرا شده و ایوان آن که شبیه کاخ چهلستون در اصفهان است، از جمله نمادهای بارز ملهم از شیوه اصفهانی در طرح این ساختمان مدرن است. (قیادیان ۱۴۰۰) در جدول ۳ به بررسی ویژگی‌های این آرامگاه پرداخته شده است:



منبع: اسناد میراث فرهنگی

جدول ۳ - بررسی ویژگی‌های آرامگاه سعدی

ویژگی	آرامگاه سعدی
موقعیت مکانی	شیراز، ایران
سال ساخت	بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۱
معمار	مهندس محسن فروغی با همکاری علی اکبر صادق
سبک معماری	نوگرا
کانسپت	کاخ چهلستون و هفت‌دری
عناصر معماری اصفهانی	دارد
تزئینات	استفاده از کاشی‌های فیروزه‌ای، سنگ تراورتن، ایوان‌ها، ستون‌ها و قوس‌های جناغی
مصالح	سنگ تراورتن برای نمای خارجی، سنگ مرمر برای نمای داخلی، کاشی‌های فیروزه‌ای
ثبت آثار	۱۰۱۰ (در تاریخ ۱۸ آذر ۱۳۵۴)

آرامگاه سعدی، یکی از جواهرات فرهنگی و هنری ایران و نمونه‌ای از تلفیق هنر و فرهنگ معماری ایرانی با تأثیرات خارجی است. این بنا که به عنوان آرامگاه و مکان قرارگاه شاعر بزرگ ایران، سعدی شیرازی، معرفی می‌شود، همچون مرکزی برای جذب گردشگران و علاقه‌مندان به هنر و تاریخ است. آرامگاه سعدی، در طراحی و اجرای خود از الگوها و نمادهای معماری ایرانی بهره برده است. به‌طور مثال، استفاده از ایوان‌ها، استفاده از کاشی‌های فیروزه‌ای و تزئینات با سنگ‌های مرمر و تراورتن، همگی ویژگی‌هایی از معماری سنتی ایرانی هستند که در آرامگاه سعدی به چشم می‌خورند. علاوه بر تأثیرات ایرانی، معماری اصفهانی نیز اثر خود را در طراحی آرامگاه سعدی نشان داده است. به‌طور خاص، استفاده از ایوان‌ها، تزئینات با کاشی‌های فیروزه‌ای و استفاده از ستون‌ها و قوس‌ها، همگی از ویژگی‌های معماری اصفهانی هستند که در این بنا به چشم می‌خورند و جلال و شکوهی خاص به آن می‌بخشند. آرامگاه سعدی، علاوه بر مکان قرارگاه یک شاعر بزرگ، به‌عنوان یک مرکز فرهنگی و هنری مهم شناخته می‌شود. تزئینات دقیق با کاشی‌های فیروزه‌ای و تراورتن، نمایش اصالت هنری ایرانی را تأکید می‌کنند و بازدیدکنندگان را به دنیای زیبایی‌های فرهنگی و هنری ایرانی می‌کشانند. بنا به تحلیل فوق، آرامگاه سعدی یک اثر هنری و فرهنگی بی‌نظیر است، که نمایانگر تلفیق منحصر به فردی از عناصر معماری و هنری ایرانی با تأثیرات فرهنگی خارجی است. این بنا، نه تنها به‌عنوان مکانی برای قرارگیری آثار شاعر بزرگ ایران، بلکه به‌عنوان یک نماد از تلاقی فرهنگ و هنر، برای جامعه محلی و بازدیدکنندگان خارجی، ارزش و اهمیت زیادی دارد.

۵- نتیجه‌گیری

با توجه به تحلیل آثار محسن فروغی و ارتباط آن‌ها با معماری سنتی و نوگرایی ایرانی، می‌توان نتیجه گرفت که او به‌عنوان یکی از معماران پیشگام در ترکیب عناصر معماری سنتی و مدرن در آثار خود، نقش بسیار مهمی در تحول معماری ایرانی داشته است. او با استفاده هوشمندانه از عناصر معماری سنتی ایران و تلفیق آن‌ها با نوآوری‌های مدرن، آثاری خلق کرده که همچنان به‌عنوان نمونه‌هایی برجسته و تاثیرگذار در معماری نوگرایی ایرانی شناخته می‌شوند. این تحقیق نشان می‌دهد که تأثیر محسن فروغی بر رشد و تکامل سبک معماری نوگرایی ایرانی بسیار چشمگیر است. آثار او نه تنها به تقویت هویت معماری ایرانی کمک کرده است

بلکه با ایجاد یک پیوند بین گذشته و حال، مسیر جدیدی برای تحول معماری نوگرا در ایران ایجاد کرده است. این تأثیرات می‌توانند به عنوان یک مثال فراگیر از تلفیق بین میراث فرهنگی و نوآوری‌های مدرن در معماری ایران محسوب شوند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که بررسی دقیق آثار معماران برجسته مانند محسن فروغی می‌تواند به فهم عمیق‌تری از تحولات معماری در ایران کمک کند و الگوهای موثری برای تحولات آینده این حوزه ارائه دهد. در کل، این تحقیق نشان می‌دهد که معماری نوگرای ایرانی با حفظ هویت و ارزش‌های فرهنگی خود و همچنین با پذیرش و ادغام نوآوری‌های مدرن، می‌تواند به عنوان یک پل ارتباطی بین گذشته و آینده در جهت تحولات معماری ملی ایران عمل کند.



نمودار ۴ - بررسی سبک بناها

در نتیجه، با توجه به تحلیل انجام شده در نمودار ۴، میتوان گفت در بررسی سبک اصفهانی در این سه بنا، می‌توان به رویکردهای مشترکی اشاره کرد. آرامگاه باباطاهر و سعدی، به عنوان دو اثر معماری بارز ایران، نمایانگر ترکیب هنرمندانه از عناصر سنتی و مدرن هستند که نه تنها به عنوان نمادهایی از تلاقی معماری نوگرای ایرانی و معماری اصفهانی در جامعه محلی و جهانی تبدیل شده‌اند، بلکه به عنوان مراکز فرهنگی و آموزشی نیز نقش بسیار موثری در حفظ و انتقال ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایران ایفا می‌کنند. از سوی دیگر، آرامگاه پوپ نیز به عنوان یک اثر هنری و فرهنگی بی‌نظیر، نمایانگر تلفیق بی‌نظیری از عناصر معماری و هنری ایرانی با تأثیرات فرهنگی خارجی است که به عنوان نمادی از تلاقی فرهنگ و هنر، ارزش و اهمیت زیادی برای جامعه محلی و گردشگران خارجی دارد. بنابر نتایج این تحلیل محسن فروغی با ادغام عناصر معماری اصفهانی در آثار خود، نه تنها به ارثیه‌های فرهنگی و تاریخی ایران احترام می‌گذارد، بلکه سعی در ایجاد تلاقی بین سبک‌های معماری مختلف را دارد تا نتایجی فرهنگی و هنری منحصر به فرد به وجود آورد.

منابع

۱. آرشیتکت، (۱۳۲۷)، شماره ۶ ص ۲۱۳
۲. اقطایی، ملیحه، داوود شادلو، (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی آرامگاه باباطاهر و بوعلی سینا از دیدگاه معماری و زیبایی‌شناسی»، همایش ملی جلوه‌های هنر ایرانی اسلامی در فرهنگ، علوم و اسناد
۳. باقری، عامل، (۱۳۸۰)، «شرح حال رجال سیاسی نظامی معاصر ایران»، گفتار، علم، تهران
۴. بانی مسعود، امیر، (۱۳۸۸)، «معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته»، انتشارات هنرمعماری قرن، تهران

۵. باور، سیروس، (۱۳۸۷)، «نگاهی به پیدایش معماری نو در ایران»، نشر فضا، تهران
۶. باور، سیروس، (۱۳۸۱)، «بنیانگذاران معماری نوین ایران، معماری و شهرسازی»، شماره ۶۴ و ۶۵، ۱۳۸۱، ص ۲۹-۲۴
۷. پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، (۱۳۷۶)، بناهای آرامگاهی، انتشارات و فرهنگی
۸. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۹۸)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، گلجام، تهران
۹. جبری اقدم قزلقیه، محمد. انسیه ولی، (۱۳۹۶)، «جایگاه تزیینات در معماری پهلوی دوم (تحلیل بناهای محسن فروغی)»، سومین همایش بین‌المللی معماری عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم
۱۰. خجندی، جمشید، (۱۳۸۶)، «شیراز میراث جاویدان»، انتشارات گلستان ادب، ص ۲۰
۱۱. دشتی شفیعی، علی. مریم حلالی فهیم، (۱۳۹۴)، «معماری محسن فروغی از نقطه نظر برخورد سنت و مدرنیته»، دومین کنفرانس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران
۱۲. رضایی لیبایی، سیندخت، حسین سلطان‌زاده، رضا عسگری‌زاد، (۱۳۹۹)، «تحلیل دیدگاه آرتور اُپهام پوپ در رابطه با معماری ایران با تأکید بر نوشتار کتاب سیری در هنر ایران»، مجله هنر و تمدن شرق سال هشتم
۱۳. صادقی‌نیا، حمدالله، (۱۳۹۵)، «همدان از ایران چه می‌دانم» دفتر پژوهش‌های فرهنگی، همدان
۱۴. طالع، امین، (۱۳۹۳)، «مقبره‌سازی هنر فراموش شده؛ بررسی گونه‌شناسی مقبره‌سازی و هنرهای پیرامون آن در ایران و جهان»، نوید شیراز، شیراز
۱۵. قبادیان، وحید، (۱۴۰۰)، «سبک‌شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران»، کتاب فکرنو، تهران
۱۶. گیو، رامین، سید محمود معینی، میلاد کوهیان، (۱۳۹۵)، «مقایسه تطبیقی تفکرات تأثیرگذار طراحان در طراحی بناهای آرامگاهی در عصر حاضر (آرامگاه بوعلی سینا و باباطاهر)»، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی (اندیشه، نظریه و روشها)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر
۱۷. مختاری، اسکندر، (۱۳۹۰)، «میراث معماری مدرن ایران»، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران
۱۸. مظاهری، هوشنگ، (۱۳۷۸)، «آرامگاه خارجیان در اصفهان (درباره پروفیسور آرتور اُپهام پوپ)»، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۱، بهار ۱۳۷۸
۱۹. معرفت، مینا، (۱۳۷۵)، «پیشکشوتانی که به تهران مدرن شکل دادند در تهران پایتخت ۲۰۰ ساله»، شهرداری تهران، سازمان مشاور فنی و شهری، تهران
۲۰. نسایی، مهدی، (۱۳۹۵)، «نقش اندیشه‌های تکنولوژی و تاثیر آن در فرایند خلق اثر معماری معاصر آرامگاهی نمونه موردی: بررسی تطبیقی آرامگاه ابوعلی سینا و باباطاهر همدان»، اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اندیشه، نظریه‌ها و روش‌ها، ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر
۲۱. ویلبر، دونالد، (۱۳۸۸)، «باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن»، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۹۳